

عبدالله گنجی، تحلیل‌گر مسائل سیاسی:

شعام بازوی کمکی دولت خواهد شد

با انتصاب آقای لاریجانی به دبیری شورای عالی امنیت ملی، وظایفی اضافه نشده است و تحولی در جهت‌گیری‌های شخص آقای لاریجانی رخ نداده است. در حوزه داخلی معتقدم که انتصاب آقای لاریجانی نسبت مشخصی با وضعیت فعلی دولت دارد، اینجا بیشتر یک ظرفیت جدید و کارآمدی به دولت اضافه کردن، موضوعیت دارد، این دولت کاستی‌هایی دارد که شورای



میثم مهدیار، پژوهشگر مسائل اجتماعی:

سیاست‌های مروج فردگرایی به قدرت نرم ایران آسیب می‌زند

وارد کنیم، به‌گونه‌ای که مجبور به درخواست آتش‌بس شد. این دانش بومی برآمده از یک فرهنگ است؛ فرهنگی که در آن خودباوری و خلاقیت به هم گره خورده‌اند و متکی بر خلوص ایمانی، فرهنگ کار و تلاش و تولید است. این فرهنگ همچنین مبتنی بر فرهنگ پهلوانی است؛ فرهنگی که در آن شجاعت و قوت با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در حوزه سخت‌افزاری، اگر روحیه کار و تلاش و تولید نظامیانی که سال‌ها صنایع موشکی ما را توسعه داده‌اند، نبود، اگر خلوص دینی، آرمان‌گرایی، شجاعت و اعتماد به نفس آن‌ها نبود، به‌طور قطع ما به چنین دستاوردهای دفاعی نمی‌رسیدیم و ایران در این جنگ به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌گرفت. این فرهنگ که از دل آن صنایع موشکی و نظامی ما پدید آمده یک فرهنگ استثنایی، محفلی یا فرقه‌ای نیست، بلکه برآمده از فرهنگ ایران است و در جوهره این فرهنگ، دین حضور جدی دارد. این فرهنگ برای خود یک هویت تاریخی فانی است و گذشته‌ای را پشت سر خود می‌بیند که

محمدعلی بهمنی قاجار، پژوهشگر حقوق بین‌الملل:

شعام باید مانع کاهش توان ملی شود

شورای عالی امنیت ملی به عنوان مهم‌ترین نهاد کشور است که هر مصوبه‌ای را می‌تواند به تصویب برساند و هر مقرره‌ای را اجرایی کند و حالا در شرایط فعلی پسانتاجوز اسرائیل به ایران، وظیفه خطیری دارد. در چهار محور سیاست خارجی، سیاست داخلی، سیاست دفاعی – امنیتی و سیاست اقتصادی، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند مثرم ثمر باشد و این چهار محور را با هم هماهنگ کند و به صورت متوازن و در راستای منافع و تأمین امنیت ملی ارتقا دهد و کارآمد کند.
❖ در سیاست خارجی، رویکرد شورای عالی امنیت ملی می‌بایست حمایت از دیپلماسی و دستگاه سیاست خارجی ایران باشد به نوعی که وزارت خارجه و وزیر خارجه بتوانند با ابتکار، شجاعت، استقلال و جرئت، اهداف کشور و منافع ملی ایران را پیگیری کنند.
شورای عالی امنیت ملی در حوزه سیاست خارجی باید به دستگاه دیپلماسی اعتماد و از آن حمایت کند. به نوعی باید کلیت نظام را به پشتیبانی



دستگاه سیاست خارجی و وزارت خارجه و شخص وزیر خارجه بیاورد تا اگر سیاست براین مبنا بود که مذاکراتی صورت بگیرد، کل جهان بداند که این مذاکرات با حمایت کل کشور انجام می‌شود و وزیر خارجه نماینده کلیت کشور است.
❖ نکته دیگر سیاست دفاعی و امنیتی است؛ ارتقا توان دفاعی کشور با تقویت توان پدافند عامل و غیرعامل و نیرومندسازی نیروی هوایی ایران و همچنین استفاده از ظرفیت‌های نیروی هوایی و زمینی در کلیه نیروهای مسلح.
شورای عالی امنیت ملی لازم است قدرت سخت مناسبی را برای کشور تدارک ببیند که در کنار دستگاه دیپلماسی منافع کشور را پیش ببرد. براین اساس باید به سرعت و با هر هزینه‌ای، نیروهای مسلح کشور بازسازی و تقویت شود به ویژه در بخش نیروی هوایی و پدافند تا آسمان ایران، در برابر هر تجاوز و تعدی احتمالی خارجی مستحکم شود. در موضوع امنیتی، نگاه‌ها به بحث امنیتی باید روزآمد شود و نگاه سنتی که با صرف نیروی انسانی و سنجش‌های

جنگ، زندگی و عدالت اجتماعی

ادامه از صفحه یک

ثانیاً با تهدید و تخریب جان و مال، سلامتی و معیشت، آرامش و نظم اجتماعی، قوام جامعه ما را هدف گرفته است. پس در مقابل جنگ استکباری، باید جامعه را به نحوی سامان‌دهی و مقاوم کرد که کمترین آسیب به استواری جامعه وارد شود. از این منظر، ابعادی که در نسبت یک جامعه مقاوم و قوام‌یافته با مقوله جنگ، محل بررسی است عبارتند از:
❖ **جهاد در برابر استکبار**: امنیت، اولین مؤلفه عدالت و قوام‌یافتگی اجتماعی است. تازمانی که اصل وجود جامعه در معرض خطر است، نوبت به سایر مؤلفه‌ها نمی‌رسد. اول باید جامعه‌ای وجود داشته باشد تا در مورد مختصاتش صحبت کنیم. این نقطه، نقطه درگیری نظامی – امنیتی است که از کِیان جامعه حفاظت می‌کند. در این نقطه، وحدت اجتماعی نیز برای پشتیبانی از دفاع شکل گرفته، لکن امنیت، همچنان در معرض تهدید است.
❖ **معنویت و معنای زندگی**: اداره کردن جامعه‌ای که افرادش به‌دنبال منافع شخصی هستند، نسبت به جامعه احساس مسئولیت نمی‌کنند و حاضر به هزینه دادن و گذشت نیستند، بسیار سخت و هزینه‌بر است. این جامعه، به محض احساس تهدید، آن‌را به‌مثابه هتلی فرض می‌کند که باید از آن مهاجرت کرد. جامعه‌ای که در نظام آموزشی – تربیتی‌اش به افراد گفته است تا صرفاً گلیم خود را از آب بکشند، عملاً آن‌ها را طفیلی و سرباری تربیت کرده است که در زمان بحران برای میزبان، او را ترک می‌کنند. چنین جامعه‌ای توان مقاومت نخواهد داشت. اکنون که جنگ، جنگ اراده‌ها است، معنای زندگی، مهم‌ترین زیرساخت عمومی مقاومت است که حتی امنیت را هم پشتیبانی می‌کند. جامعه‌ای که با

اضطراب مقدس

ادامه از صفحه یک

این احتمالاً یکی دیگر از آن لحظه‌هایی است که خدا قلم را از آقای رشید گرفته و به‌جای او، زندگی‌اش را نوشته است. او آن‌قدر حواس جمع و متوجه بود که بلداند کجا باید پافشاری کند و کجا باید پذیرای سرنوشت باشد. چه آن‌جا که در ۷۲ سالگی، همان‌قدر امیدوار و مصر است به شهادت که در ۱۷ سالگی‌اش بود و چه آن‌جا که در موقعیت جنگ بین ذوقش به نقاشی و نوشتن، لباس رزم به تن می‌کند و سرباز می‌شود. اما ذائقه دقیق و متوجهش نمی‌گذارد قلم از دستش بیفتد، همان‌آنی که روزمند است و فرمانده، جنگ را نیز می‌نویسد. می‌داند آن روزهایی که می‌گذرانند آن قدر مهم است که باید بسیار نوشته شود و بیشتر از

نمی‌زند. در کشور ما فرایند تصمیم‌گیری بسیار پیچیده است، در فرایند تصمیم‌گیری برخی تصمیم نمی‌گیرند، احساس می‌کنند تصمیم هزینه دارد. اما فکر می‌کنم بعد از آمدن آقای لاریجانی فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، شتابی پیدا می‌کند. عرصه‌های آن نیز موسع است. برای مثال شورای عالی امنیت ملی، از جنگ با صهیونیست‌ها تا خشک شدن دریاچه ارومیه تا توجه به ناترازی‌ها، باید

به آن حس هویت می‌بخشد. همین هویت است که استقلال را برای این فرهنگ معنادار می‌کند. به همین دلیل است که در حوزه نظامی، ایران تلاش کرده مستقل باشد و نه تنها در این حوزه وابستگی ندارد، بلکه حتی صادرکننده تکنولوژی است. ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امنیت ملی از یکدیگر جدا نیستند. اگر بخواهیم از دستاوردهای این جنگ ۱۲ روزه در ضمن توجه به خسارات، تهدیدات، قصورات و غافلگیری‌هایی که داشتیم و باید در جای خود بررسی شوند، بهره ببریم، باید از این دستاوردها پلی برای آینده بسازیم؛ پلی برای توسعه و پیشرفت ایران. برای رشد و توسعه، نیازمند تقویت این مؤلفه‌های فرهنگی هستیم. باید روحیه اخلاص دینی را در اقشار مختلف، به‌ویژه در میان جوانان و نوجوانان، گسترش دهیم. باید فرهنگ کار، تلاش و تولید را در نسل‌های جدید نهادینه کنیم و از تربیت نسلی مصرف‌زده، مصرف‌گرا، بی‌مسئولیت و باری به هر جهت پرهیز کنیم. نظام آموزش و پرورش ما باید مسئولیت‌پذیری

ظاهری بتوانیم صلاحیت‌های ظاهری افراد را احراز کنیم.
کنارزده
❖ سیاست داخلی
باید مد شورای عالی امنیت ملی، مورد تجدید نظرهای کلی قرار بگیرد. راهکارهایی برای ایجاد مشارکت فراگیر مردم در اداره امور کشور تدارک دیده شود و مردم این احساس را پیدا کنند که در مقابل دشمن خارجی، وطن و منافع کلان ملی نسبت به هر چیز دیگری در اولویت است. باید یک همبستگی ملی ایجاد شود و در راستای این همبستگی، سعه‌صردها بالاتر برود و اگر افرادی انتقاد دارند، بتوانند صحبت‌هایشان را در چهارچوب منافع ملی ایران مطرح کنند. سیاست داخلی کارآمد، یعنی سیاست داخلی‌ای که مشارکت عموم ملت ایران را در اداره امور خود، محقق کند. بنابراین در سیاست داخلی از توان احزاب، گروه‌ها، اشخاص، جامعه مدنی در راستای تقویت توان ملی استفاده شود. این کاری است که برعهده شورای عالی امنیت ملی است.

برنامه داشته باشد. لذا حیطه فعالیت‌هایش گسترده است. بر اساس این حیطه گسترده، شاید شورای عالی امنیت ملی را بتوان یک دولت مکمل در سه سال آینده دانست. اما وظیفه جدیدی به شورای عالی امنیت ملی اضافه نشده و تحولی در ساختار ایجاد نشده است، بلکه بیشتر منحصر در نوع توانمندی‌های شخصی است که آمده و توقع است کاستی‌هایی را پر کند.

را در نسل‌های جدید نهادینه کند، فرهنگ قوت و پهلوانی را به آن‌ها منتقل کند و این فرهنگ را با ابزارها و ساختارهایی که در اختیار دارد، در میان عامه مردم گسترش دهد. این توسعه فرهنگی تنها وظیفه حاکمیت نیست؛ نخبگان نیز باید در این مسیر گام بردارند. البته، توسعه این فرهنگ تنها به آموزش و پرورش یا رسانه ملی محدود نمی‌شود، بلکه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نیز باید این فرهنگ قوت، یاری‌گری و مشارکت را جدی بگیرند. برای مثال، در ساختارهای اقتصادی، سیاست‌های لیبرالی که فردگرایی و مصرف‌زدگی را تبلیغ و ترویج می‌کنند، باید از دستورکار سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ما کنار گذاشته شوند. سیاست‌های اقتصادی ما باید با نوعی جامعه‌گرایی پیوند بخورد تا بتواند انسجام اجتماعی را حفظ کند. سیاست‌های بازارگرایانه افراطی، خصوصی‌سازی‌های بی‌رویه، و کالایی‌سازی آموزش، فرهنگ، بهداشت و دیگر عرصه‌های اجتماعی، به‌طور جدی به این مؤلفه‌های فرهنگی ما آسیب می‌رسانند.

❖ موضوع دیگر، بحث اقتصاد است. باید به این توجه کنیم که مهم‌ترین ضربه‌ای که کشور ممکن است متحمل شود، از منظر اقتصادی است. تزل بول ملی، قطعاً یک تهدید امنیتی است. تورم قطعاً محور تهدید امنیتی است.
❖ محور دیگر کارآمدسازی حکمرانی و دولت است. کارآمد کردن توان خدماتی دولت، رفع ناترازی‌های آب و برق و غیره مهم است که این هم اراده‌ای مافوق قوه مجریه می‌خواهد که این اراده می‌تواند، توسط شورای عالی امنیت ملی، اجرایی شود. تهدیدی که الان متوجه کشور است، صرفاً تهدید هوپما و جنگنده خارجی نیست. جاسوسی است. توان رسانه‌ای و ارتش سایبری بیگانگان است که علیه کشور فعالیت می‌کند و در کنار آن، تهدید اقتصادی است و توجه به اینکه همه این تهدیدها ممکن است منجر به ایجاد یک نارضایتی عمومی شود. شورای عالی امنیت ملی باید با دقت این مسائل را رصد کند و به صورت پیشگیرانه، مانع از کاهش توان ملی شود.

*** ارزش آفرینی و مشارکت در اقتصاد:** جامعه‌ای که تولید ارزش و ثروت نکند، دانماً در حال از جیب خوردن و مصرف اندوخته است؛ لذا رو به افول خواهد بود. جامعه‌ای که در امور روزمره و تأمین معیشت خود دچار مشکل باشد، به‌راحتی در برابر تکانه‌های اقتصادی ناشی از جنگ، اراده‌اش سست می‌شود. شاید در کوتاه‌مدت بتوان از عموم مردم انتظار تحمل داشت، اما مقاومت در میان‌مدت و بلندمدت حتماً نیازمند مقاوم بودن است؛ نه تحمل کردن؛ نیازمند تدبیر کردن است و نه تعطیل کردن. می‌توان جامعه با اراده‌ای را فرض کرد که با امکانات حداقلی هم مقاومت کند، اما این تصور نه برای جامعه ایرانی چندان قابل تصور است و نه تصور مطلوبی است. مقاومت با استفاده از امکانات حداقلی و از سر ناچاری، شاید پذیرفتنی باشد اما زمانی که همه راه‌های تدبیر را رفته باشیم، جامعه‌ای که ظرفیت‌های گسترده تلاش و ارزش آفرینی را مشاهده می‌کند، مقصر را عقل حکمرانی می‌داند و امکانات حداقلی را استعاره از بی‌تدبیری در نظر می‌گیرد؛ نه آخرین راه چاره.
❖ **تأمین اجتماعی جنگ:** جنگ حتماً هزینه‌های جانی، مالی و معنوی دارد. گروهایی متضرر می‌شوند و آسیب می‌بینند. حتی اگر جریان عمومی زندگی را بتوان حفظ کرد؛ اما بالاخره گروه‌هایی آسیب خواهند دید و باید آنان را در نظام تأمین اجتماعی جنگ، تحت پوشش انواع حمایت‌های عاطفی، اقتصادی، آموزشی، درمانی و... گرفت. شناسایی و حمایت هوشمندانه (با ضریب اصابت بالا) و به سوی کاهش وابستگی، ضرورتی ناگزیر است. قطعاً در این مورد نیز مشارکت عمومی، تقویت پیوندهای جمعی و حکمرانی مردمی، بسیار راهگشا است.

تحملشان نیز آب می‌رود. نظام حکمرانی چه در بحران کرونا و چه در بحران جنگ، به چنین چرخشی بی‌توجه است.
❖ **تشکل‌یافتگی و همدلی اجتماعی**: تقویت پیوندهای اجتماعی از یک سوسیال‌زندگی افراد و از سوی دیگر بسیاری از هزینه‌های دولت برای خدمات‌دهی را کاهش می‌دهد. اساساً چیزی که به زندگی روزمره تبدیل می‌شود، از دستورکار حاکمیت خارج خواهد شد؛ زیرا به صورت طبیعی به جریان افتاده است. پس هرچه همدلی مردم بیشتر شود، هرچه پیوندهای اجتماعی تقویت شود، جامعه مقاوم‌تر می‌گردد. همدلی اجتماعی، زیرساخت عمومی همبستگی اجتماعی در شرایط بحران است. از سوی دیگر پیوندهای اجتماعی در قالب تشکیلات و تشکل‌یافته، برای جامعه‌ای که فهمیده است راه اصلی اداره جامعه، حکمرانی مردمی است، ضرورتی جدی برای اعمال اراده حاکمیت مردمی در کف میدان به حساب می‌آید. به تعبیر ساده‌تر، تشکل‌یافتگی (در قالب گروه‌های داوطلب رسمی و غیررسمی)، بازویی عملیاتی – اجرایی است که می‌تواند به راحتی و با کتکر خود در اقصی نقاط کشور، جوامع محلی را پوشش دهد و از اختلال زندگی روزمره جلوگیری نماید. تشکل‌ها بازویی هستند که مردم را به زندگی باز می‌گردانند. جامعه‌ای که بتواند روزمره‌اش را حفظ کند، برنده جنگ اراده‌ها است. روزمرگی و توقف در روزمره‌ها نامطلوب است، اما حفظ جریان روزمره زندگی، ضروری است. مساجد، هیئات، بسیج، خیریه‌ها، سمن‌ها، هیئات ورزشی، تیم‌های داوطلب امدادی و حتی گروه‌های دوستی و امثال آن، ظرفیتی بزرگ برای حفظ جریان زندگی در سطح محله و شهر – روستا هستند.

داستان دنیا تکرار شده و اصلاً همین اضطراب مقدس است که آدمی را صاحب داستان می‌کند. همین اضطراب مقدس است که دست چمران را می‌گیرد و از موقعیت برجسته دانشگاهی‌اش در آمریکا می‌کشاند تا معرکه کردستان. همین اضطراب مقدس است که رتبه چهار پزشکی دانشگاه شیراز، مهدی زین‌الدین را از صندلی دانشکده تا هرم گرمای جبهه‌های جنوب می‌کشاند. همین شور شیرین است که فرهادها می‌آفریند. در دست‌نوشته‌هایش، مرد پاهمن گذشته‌ای را می‌بینم که سر شوخی را با خدا باز کرده است. از ۷۰ ساله بودن جسمش و ۲۰ ساله بودن روحش می‌گوید و فرشته مرگ را هم دست می‌اندازد. اما در تک‌تک کلماتش بی‌قرار و مضطرب است، وقتی می‌نویسد: «هرگز فکر نمی‌کردم این‌قدر

زنده بمانم. قبل از انقلاب تصور ما این بود که قبل از ۳۰ سالگی شهید می‌شویم، در جنگ به‌گونه‌ای دیگر... هر روز این سال‌ها به اندازه یک هفته بر ما می‌گذرد و روز که تمام می‌شود از غروب آن به فکر ادامه کار در فردای آن می‌شویم... ذکر خفی ما شده است انا لله و انا الیه راجعون، فراوان خوش به حال راسخه!! راستش را بخواهید، تیر این متن پیش از نوشته شدن خودش به ذهنم آمد. به خط آخر دست‌نوشته‌هایش که رسیدم، با خودم گفتم در مورد او حتماً باید نوشت، حتماً باید بنویسم. صفحه ورد را باز کردم و بعد از یک بسم‌الله الرحمن الرحیم با فونت محبوب می‌بزر، نوشتنم اضطراب مقدس. حالا یک صفحه سفید رو بپرو می‌است و یک قهرمان نوشتنی.